

## یادی از محمد تقی دانش‌پژوه

### ایرج افشار

محمدتقی دانش‌پژوه (۱۲۹۰ آمل - ۱۳۷۵ تهران) نخست به اسلوب طالب علمان نزد پدر و استادانِ مدارس قدیم در آمل و قم و تهران تحصیل کرد (تفصیل جامع و خواندنی در آن باره را خود او نوشته و در راهمای کتاب، ج ۱۳۵۴ □ ۱۸، چاپ شده شده است). پس از آن به تحصیل دانشگاهی روی آورد و چون دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران را به پایان برد کار دبیری را پیش گرفت. اما به مناسبت آن که دل‌بسته کتاب و پژوهش بود به خدمت کتابداری دانشکده حقوق درآمد و نزدیک بیست و پنج سال، با عنوان معاون کتابخانه، بی‌هیچ وقفه، بدان کار پرداخت و در خلال آن کارِ گران، به مناسبت آن که شادروان سید محمد مشکوة مجموعه ارزشمند نسخه‌های خطی گردآورده خود را به دانشگاه تهران اهدا کرد و با این مجموعه شالوده تأسیس و نام‌گذاری کتابخانه مرکزی دانشگاه گذاشته شد، فهرست‌نویسی و، پس از چندی، ریاست این کتابخانه تازه‌بنیاد به دانش‌پژوه واگذار شد و او تا سال ۱۳۴۱ به این خدمت ادامه داد. چون در سال ۱۳۴۸ به دانشیاری دانشکده الهیات و معارف اسلامی برگزیده شد، از معاونت کتابخانه دانشکده حقوق کاره گرفت و یکسره به آموزش و، بیش از آن، به پژوهش پرداخت. اما، چون کتابداری دانشگاه

می‌بایست از گنجینه فضایل و خزانه اطلاعات او بهره‌ور باشد، به درخواست کتابخانه مرکزی از رئیس وقت دانشگاه، عنوان مشاور علمی کتابخانه به او داده شد که تا اواخر عمر، چه موظف و چه غیر موظف، این خدمت گران‌قدر را انجام می‌داد.

اگر پرسیده شود که دانش پژوه در زمینه کتاب‌داری چه کرد، باید گفته شود که کوشش اساسی و جهانی او فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است که اهم آنها فهرست‌های کتابخانه‌های مرکزی، حقوق، ادبیات، مجلس شورا و سنای پیشین، سپهسالار (با همکاری علی‌نقی منزوی)، ملک (با همکاری احمد منزوی و دکتر حجتی)، آستانه قم، لوس‌آنجلس، و کتابخانه مجتبی مینوی است. دو دیگر مجموعه‌سازی کتاب‌های پژوهشی در زمینه تحقیقات ایران‌شناسی و متون و مباحث اسلامی در دانشکده حقوق است که دامنه آن به بررسی و برگزیدن نسخه‌های خطی برای مجموعه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه و کتابخانه‌های مجلس شورا و سنای پیشین و هم‌چنین بعضی از کتابخانه‌های شهرستان‌ها کشیده بود و خزاین خطی این کتابخانه‌ها از بینش و دانش ایشان بهره بسیار یافته است و جملگی استفاده‌کنندگان از آنها مرهون علایق او خواهند بود.

دانش‌پژوه از حدود سال ۱۳۳۵ عضویت و همکاری در انجمن دوست‌داران کتاب، کمیته ملی کتاب‌شناسی، کمیته ملی تأسیس بایگانی کشور، انجمن فلسفه و علوم انسانی، کنگره تحقیقات ایرانی، مجله راهنمای کتاب، انجمن تاریخ طب و علوم، شورای ارزش‌یابی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه و شورا و سنای پیشین و چندین مجمع علمی دیگر را پذیرفته بود و با شور و علاقه‌مندی، در اکثر مجامع علمی و کنگره‌های ایران‌شناسی و

جلساتی که مربوط به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران بود شرکت می‌کرد. جز این، در چندین کنگره و مجمع علمی در کشورهای افغانستان، پاکستان، ازبکستان، پاریس، سخن‌رانی‌های ابتکاری تحقیقی عرضه کرد.

سفرهای اساسی و عمده دانش‌پژوه، چه در درون کشور و چه در کشورهای دیگر، بیشتر برای دیدن و یافتن و میکروفیلم گرفتن از نسخه‌های خطی بود. خستگی راه‌های دراز و دشواری‌های بسیار را به جان و دل می‌خرید تا بتواند چند نسخه تازه‌یاب یا ناشناخته را بشناسد و بی‌درنگ بشناساند و یا به چاپ برساند. به افغانستان، شوروی پیشین (مسکو و پترزبورگ و دوشنبه و تاشکند و باکو)، آلمان، هلند، امریکا و فرانسه و چین رفت و ارمغان‌های ارزش‌مند از هر یک آنها آورد و منظم‌اً مشخصات و کیفیات نسخه‌ها را در مجله‌ها و بیشتر در نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، که خود از پایه‌گذارانش بود، فهرست‌وار یا به تفصیل کتاب‌شناسانه منتشر ساخت. این گونه کارهای او یادگارنامه سفرها و در برگیرنده بسیاری آگاهی‌های دست‌یاب شده‌ای است که نخستین بار او یادآور آنها شده است. نمونه را باید فهرستی دانست که از نسخه‌های خطی کتابخانه پژوهشی دانشگاه لوس‌آنجلس نوشت و آن فهرست امروزه اساس کار هر محقق است که در آن کتابخانه به مجموعه نسخه‌های خطی می‌نگرد.

اغراق نیست اگر گفته شود که دانش‌پژوه رقمی نزدیک به صدهزار نسخه خطی را یک به یک دیده و بررسی کرده و آنها را که شایسته معرفی دانسته در مقاله‌ها و فهرست‌ها و مقدمه‌های خود بی‌تابانه شناسانده است. نگاهی به دوره چهار جلدی کتاب بررسی نسخه‌های خطی اسلامی<sup>(۱)</sup> که به همت مؤسسه

«الفرقان» انتشار یافته، گویای میزان و میدان کار و اهمیت پژوهش‌های یک تنه دانش‌پژوه در زمینه و پهنه نسخه‌های خطی پراکنده در جهان است.

دانش‌پژوه در سراسر جهان خاورشناسی اسلامی، به مناسبت این رشته دراز از کار، شناخته و نام‌آور است. بی‌هیچ تردیدی توان گفت که بیش از هر فهرست‌نویسی فهرست‌نگاری تحقیقی، تحلیلی و تفصیلی کرده است. جلد سوم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نمونه روشن و گویاست از آن چه عرض شد. تصورم بر آن است که انجمن آسیایی فرانسه به مناسبت همین خدمت والاست که او را به عضویت افتخاری خود برگزید.

دانش‌پژوه، از گذرگاه فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی و استمرار تجربه در این راه، توانست گام فراتری بردارد و دامنه رسیدگی و پژوهش را به رشته کتاب‌شناسی و ارتباط سلسله‌ای میان کتاب‌های هم موضوع بکشاند و در حقیقت، عنایتی در خورد توجه به تاریخ علوم داشته باشد. پژوهش‌های کتاب‌شناسانه او در فقه فارسی (فهرستی مستقل در آن باره دارد)، موسیقی (فهرستی مستقل در آن باره دارد)، فلسفه و منطق (که در مقدمه چند کتاب بدان پرداخته، از جمله مقدمه مفصل ترجمه فارسی نزهة الارواح شهرزوری)، اخلاق و سیاست (هم در مقاله‌ای و هم در مقدمه چند کتابی که در این موضوع منتشر کرده)، کتاب‌شناسی فرق و ادیان در فرهنگ ایران زمین (دوازدهم)، دایرة المعارف‌ها و اقسام علوم، ترسّلات و منشآت، هنر نقاشی کتاب‌پردازی (مقاله مهم «گنجور») یک‌یک حاکی تام از پهناوری دانش و توانایی‌های او در آن زمینه‌هاست. هر یک از کتاب‌شناسی‌ها یا معرفی‌نامه‌های او «کتاب دستی» برای

هر دانش دوستی است که در یکی ازین رشته‌ها به تجسس و تفحص می‌پردازد. همه آموزنده است و پر از نکته‌های تازه.

دانش‌پژوه، پیش از این که به فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی کتابخانه اهدایی سیدمحمد مشکوة پردازد و با گنجینه دریاوار نسخه‌ها آشنایی بگیرد، کار علمی را با نگاشتن چند مقاله در موضوع و مباحث فلسفی و منطقی و کلامی در مجله‌های جلوه، دانش‌نامه، مهر، دانش و ترجمه کردن دو متن النکت الاعتقادیه شیخ مفید و مصادقة الاخوان شیخ صدوق آغاز کرد. اما، چون به خزانه پر طرایف نسخه‌ها در افتاد که هر یک در موضوعی از علوم بود، به تدریج با رشته‌های متنوع دیگر آشنایی گرفت و در پی هر یک که نمی‌شناخت به تجسس و کنجکاوای دست زد و دایرة المعارف گونه به سوابق مربوط به هر رشته و متون موجود در آن رشته پرداخت. او ناچار از آن بود که مخصوصاً به فهرست‌های نسخه‌های خطی لندن و برلن و پاریس و پترزبورگ و وین و پتنه و بهار و آصفیه و مدارس و قاهره و جز این‌ها بنگرد و دریابد که برجستگان و پیشگامان چه کرده‌اند و چه گفته‌اند. توفیق او در این مرحله مدیون آن بود که منظمأ از دیده‌ها و خواننده‌ها یادداشت‌برداری می‌کرد و هر یک را در جای خود می‌گذاشت.

دانش‌پژوه ازین راه روش‌مند بود که گرایشی سخت به تصحیح و نشر متون ناب فارسی و نسخه‌های تازه‌یاب پیدا کرد و در این کوشش با ارزش، متون متعدد مفصل (کتاب) را به چاپ رسانید که اغلب آنها ناشناخته بود و اول بار به چاپ می‌رسید. هم‌چنین نزدیک به یک صد رساله کوتاه تصحیح و چاپ کرد که هر یک از آنها در جهان تحقیقات ایرانی و اسلامی از تازگی و بدعت نام و نشان

دارد. اگر متنی چاپ شده را به چاپ نوینی رسانید برای آن بود که نسخه‌ای تازه گون از متن به دستش افتاده بود که بر چاپ پیشینه برتری داشت. از جمله همین روزها بیان الادیان به تصحیح او، که از چاپ مرحوم عباس اقبال بابی بیش دارد، منتشر خواهد شد.<sup>(۲)</sup> سوانح الافکار رشیدی هم به همین منوال تجدید چاپ شده است.

با نگاهی اجمالی به متن‌هایی که او چاپ کرده است روشن‌تر می‌توانم نشان بدهم که او به چند رشته از علم کمک کرده است و به کدام دسته از آنها پیوستگی بیشتری داشته است.

نخستین گامی که در راه تصحیح و نشر متون برداشت هم زمان و به مناسبت تشکیل کنگره خواجه نصیرالدین طوسی در سال ۱۳۳۵ بود که با شوری بسیار به تهیه و نشر شش رساله کوتاه از آن دانشمند توفیق یافت. از جمله رساله معینیه در هیأت و شرح مشکلات آن را به چاپ عکسی رسانید. علاقه‌مندی او به نشر متون علمی فارسی از این روی بود که می‌خواست توانایی زبان فارسی و خدمات علمی دانشمندان قلمرو ایران کهن را به خاورشناسانی که در آن کنگره شرکت می‌کردند بشناساند. در همان سال‌ها، کششی عجیب به رسایل اخوان الصفا داشت و مخصوصاً به گردآوری نسخه‌های ترجمه آن رسایل اهتمام می‌کرد که مگر آن را به چاپ برساند تا این که، چهل سال بعد، مجمل الحکمه، ماهی پیش از درگذشت او، به چاپ رسید و انتشار یافت. دانش‌پژوه، چون در علم منطق توغل کرده بود، توجهی ژرف به ریاضی و نجوم و علوم طبیعی داشت و غالباً توصیه می‌کرد که باید متون ریاضی (حساب و هیأت و نجوم) را چاپ کرد. به همین ملاحظات بود که گرایش ژرف و راستین به تصحیح و نشر کتاب‌های

چند دانشی (دایرة المعارف گونه) پیدا کرده بود. بحرالفوائد، یواقیت العلوم، نوادر التبادر و مجمل الحکمه چهار متنی است که بخش‌هایی از آنها به آن علوم اختصاص دارد و هر چهار به اهتمام دانش‌پژوه نشر شد. جز آنها باید از دو رساله، یکی به نام الرسالة السنجریه نوشته ابن سهلان ساوی و دیگری از شرف‌الدین مسعودی، که هر دو در معرفت آثار علوی و از متون نخستین فارسی در طبیعات سماوی است، یاد کرد. دانش‌پژوه از محمد بن زکریای رازی متن عربی سرالاسرار را چاپ کرده است. شرح مشکلات اقلیدس نگاشته ابونصر فارابی از دیگر متون علمی است که به دست او تصحیح و طبع شده است. در پزشکی، یکی متن دو کتاب است از ده کتاب ذخیره خوارزمشاهی به فارسی که به کمک او منتشر شد و دیگر متن عربی مفتاح الطب تألیف ابن هندوست (با همکاری دکتر مهدی محقق). برای او تفکر مؤلفان اسلامی در چگونگی تقسیم علوم اهمیت داشت و کتب مشهور در این مبحث را به دقت خوانده بود خود دو رساله ناشناخته الرسالة الشرفیه تألیف ابوعلی سلماسی و اصناف العلوم ابوسهل عیسی مسیحی را به چاپ رسانید و در مقدمه‌های پرفایده‌ای که بر آنها نوشت به اهمیت مسئله تقسیم علوم پرداخت. حاصل کوشش‌های دانش‌پژوه، اعم از آنچه به دست او نشر شد و یا آنچه در فهرست‌ها به وسیله او به دیگران شناسانده شد، موجب آن شد که رشدی راشد استاد نام‌آور تاریخ ریاضیات اسلامی، مقاله‌ای را که درباره ریاضی ملامحمد باقر یزدی نوشت با افتخار به نام دانش‌پژوه مصدر و به او اهدا کرد.

در زمینه کلام و فقه و معارف اسلامی، مخصوصاً از لحاظ تاریخ ادیان و ملل و نحل، متن‌های متعددی به همت او انتشار یافت. در فقه، ترجمه‌های کهن

فارسی نه‌ایه شیخ طوسی، مختصر نافع محقق حلی، معتقد الامامیه از مؤلف ناشناس، و شرایع الاسلام را در دسترس گذارد و، در کلام و اخبار، شرح فارسی شهاب‌ال‌اخبار، ترجمه ملل و نحل محمد بن زکریای رازی، رساله‌های امامت و فصول خواجه نصیر و چهار رساله دیگر او در مباحث کلامی، الکشف عن مناهج اصناف الخوارج صاحب بن عباد، مجدول عترت نبی از نظام‌الدین شامی، رساله توحید یعقوب بن موسی مططب، اثبات واحب خفری، فصول رشیدالدین میبدی، را منتشر کرد. در تاریخ ادیان و مذاهب، دو رساله در هفتاد و دو گروه و یک رساله درباره هفتاد و سه گروه (از عبدالواحد کرمانی) و رساله بیان المذاهب و الفرق و باب گمشده‌ای از بیان الادیان را منتشر ساخت. تمام متن بیان الادیان، چنان که پیش از این اشارت رفت، براساس نسخه‌ای تازه‌یاب، که هم به تصحیح او با هم کاری قدرت پیشنهاد کرده رسیده است، در همین ایام پدیدار خواهد شد. معارج نهج‌البلاغه هم از زمره متن‌های مرتبط به معارف اسلامی است که به کوشش او نشر شد. چند رساله هم در علم رجال و مشیخه چاپ کرد به نام‌های مشایخ‌الشیعه اردکانی، دو مشیخه زیدی، تاریخ مشاهیر امامیه از رضی قزوینی و دو رساله گمنام و بی‌نام در رجال.

دانش‌پژوه در زمینه فلسفه و منطق دل‌بسته‌تر نسبت به دانش‌های دیگر پژوهش می‌کرد. اشراف و احاطه او در این رشته با خواندن مقدمه‌ای که بر ترجمه فارسی نزهة الارواح شهرزوری نوشت و متن آن را با هم کاری محمد سرور مولائی چاپ کرده است نیک مشهود می‌شود. بنده ادعا می‌کنم که هنوز در کتاب‌شناسی مآخذ اسلامی فلسفه رسالتی بدین گستردگی و گران‌قدری در زبان فارسی نوشته نشده است.



تصحیح متن عربی النجاة ابن سینا از کارهای عمده اوست. وی ترجمه پیشینه تحصیل بهمینار را، که جام جهان‌نما نام دارد، به هم کاری شیخ عبدالله نورانی چاپ کرد. حیات النفوس زیزی در حکمت اشراق، منطق ابن مقفع و منطق ابن بهریز، الاقطاب القطبیه عبدالقاهر اهری، جامع الحکمه بابا افضل مرقی، تبصره ابن سهلان ساوی و دو رساله منطقی منضم بدان، رسایل منطقی ابونصر فارابی (در سه جلد ضخیم به نام المنطقیات)، رساله‌های رشید وطواط و غیلانی در منطق و ردّ منطق، دو رساله در منطق از اثیر ابهری، المبادی و الرؤس العشره لتعلم الفلسفه از ابن الطیب بغدادی و رساله فی التعقیب الموضع الجدلی از ابن سینا، همه از متن‌ها و رساله‌هایی است که دانش‌پژوه یکایک را از گوشه و کنار کتابخانه‌ها می‌یافت و چاپ می‌کرد و این همه را انجام می‌داد که مگر روزی بتواند خود تاریخ منطق بنویسد. ده‌ها کتاب به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی و عربی را گرد آورده و در خواندن گرفته بود که مگر بدان مقصود نایل شود. از رساله‌های نایابی که یافت و چاپ کرد یکی هم ذکر الحکماء الیونانیین و الملیین از شمار رسایل فلسفی و احوال فلاسفه است که به دست او چاپ شد، هم چنان که رساله‌ای فارسی به نام سرگذشت‌نامه ارسطو در مباحث فلسفی، رساله‌هایی هم از ابن سینا چاپ کرده است. بستان العقول، تصنیف محمد زنگی بخاری، هم به اعتباری صبغه فلسفی دارد که در تصحیح آن کوشش کرد.

در زمینه اخلاق و سیاست (اعم از تدبیر منزل و سیاست مدن) چندین کتاب ارزشمند برای نخستین بار به همت بلند او انتشار یافت مانند اخلاق محتشمی خواجه نصیر (همراه سه رساله از دیگران)، ترجمه فارسی جاودان خرد، حدایق السیر ابوعلی سلماسی، مکارم الاخلاق رضی الدین نیشابوری، گشایش‌نامه،

تحفه (هر دو مجهول المؤلف)، تحفة الملوک غزالی، الرسالة السیاسه سلماسی، دو رساله در اخلاق از مؤلف شروق الانوار، ترجمه فارسی فرمان مالک اشتر از آوی. آخرین کتاب او در این زمینه ترجمه فارسی الاحکام السلطانیه ماوردی است که با همکاری چنگیز پهلوان فراهم آمده است و جلد اول آن به زودی منتشر خواهد شد.

در زمینه عرفان و تصوف (و رد آن)، دانش پژوه متونی را تصحیح و چاپ کرده است که روزبهان نامه (مجموعه چند متن در مقامات و آثار روزبهان بقلی) اشهر از همه است. دیگر آثار درویش محمد طبسی (عصر تیموری)، کسر اصنام الجاهلیة از ملاصدرا، و رساله‌های محاکمه متصوفه، دو شرح «کنت کنزاً مخفیاً»، سلسله الاولیاء الاحادیث الاربعین عرفا بر شمردنی است. باید عرض کنم که متن مقامات بایزید بسطامی را هم به درخواست شهیار عدل در دست تصحیح گرفت که می‌باید به چاپ برسد.

در زمینه متون تاریخ، کار خود را با تاریخ اسماعیلیه و باطنیه و نزاریه آغاز کرد و بخش‌های مرتبط با آن فرق را از دو کتاب مشهور جامع‌التواریخ و زیده‌التواریخ، با دو ذیل جداگانه، در دو مجلد جدا، به چاپ رسانید. چاپ کتاب وزارت در عهد سلاجقه تألیف عباس اقبال را هم در همان اوقات به همکاری یحیی ذکاء به پایان برد. سوانح الافکار (مکتوبات رشیدالدین فضل‌الله) را به چاپ نوینی رسانید که مرجحاتی بر چاپ پیشین محمد شفیع لاهوری دارد. شوکت‌نامه، سال شمار تاریخ ایران (مندرج در مجله تاریخ)، نامه‌های ابزری و فسایی و بسیاری از وقف‌نامه‌ها و اسناد و مدارک متفرق (مانند اسناد نیاک) که مقاله مقاله در مجله‌ها و نشریه‌ها چاپ کرده است، نموداری است روشن از

اهمیتی که برای تاریخ ایران قایل بود و روشن شدن گوشه‌های مکتوم آن را براساس اسناد و مدارک چاپ نشده لازم می‌دانست. دو کتاب مهمی که در تاریخ به تصحیح او شناخته شد یکی تاریخ الوزرای قمی است به زبان فارسی، که در نوع خود کم نظیر و متنی است ممتاز از لحاظ ادبی و تاریخی مشحون بر امثال و تعابیر فارسی؛ دیگری، که به زبان عربی است و از آخرین کارهای دانش‌پژوه، نهاییة الارب فی اخبار الفرس و العرب نام دارد که برای تاریخ ایران پیش از اسلام دارای اعتبار زیادی است.

در زمینه آنچه به تاریخ فرهنگی و مدنی (Kulturgeschichte) به اصطلاح آلمانی) مرتبط است و هر گوشه از آن به نوعی با جامعه‌شناسی پیوستگی می‌یابد، دانش‌پژوه خدماتی انجام داده و متونی را چاپ کرده است که نباید از یاد برد. از آن شمار است جامع الهدایه در کمان‌داری از نظام بیهقی، دو رساله در عطرشناسی و عطرسازی، رساله‌ای در موسیقی از محمد نیشابوری، طاووس خانه اصفهان، دو رساله در رنگ کردن کاغذ، قانون الصور در نقاشی، معرفی جنگ‌ها و سفینه‌ها و مرقع‌ها، دستور الملوک رفیعا، هدایة التصدیق فضل‌الله خنجی در حریق مدینه و مقاله‌های بسیار دیگر.

نظر عاطفی دانش‌پژوه بی‌هیچ وقفه و خدش‌های همواره متوجه گسترش زبان فارسی بود. او بیش و پیش از هر چیز در انتشار متون پیشین بر این نیت بود که از راه نشر متن‌های کهن بر غنای زبان فارسی افزوده شود. او می‌گفت و معتقد بود که از واژه‌های مصطلح و متداول در متون پیشینیان می‌توان کلمه‌هایی را یافت که شاید در مفاهیم علمی و فرهنگی و مدنی جدید به کار بردنی باشد. دل سپرده‌ای راستین بدین کار بود. عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

را راهی به رسیدن به نیت و امید بلند خود می دانست و از هیچ گفته و کوشش دریغ نمی کرد. همه می دانیم که او می کوشید تا نوشته هایش به اندازه توان و امکان به واژه های پارسی و به گفته دری آراسته باشد.

دانش پژوه، با انتشار چهل پنجاه کتاب و چهل پنجاه فهرست و نزدیک به چهارصد مقاله، بسیاری از مشاهیر را بهتر و بیشتر از پیش به ما شناساند و هم ما را با نام و نوشته بسیاری از ناشناختگان و فراموش شدگان آشنا ساخت که پیش از او یادی از آنها در نوشته ها و ادبیات ما نبود.

در این نوشته، به همه نوشته ها و مقاله های دانش پژوه اشاره نشده است. فهرست نوشته های او خود نیازمند به سیاهه ای دراز و جداگانه است. برای کارهای او تا سال ۱۳۵۸ فهرستی تهیه کردم که در راهنمای کتاب سال ۱۸ چاپ شده است و عنایت الله مجیدی و قدرت پیشنهادزاده دنباله آن را فراهم کرده اند که باید امیدوار بود هر چه زودتر در دفتری خاص به چاپ برسد.

### یادداشت:

1. World Survey of Islamic Manuscripts, Edited by G. Ropper, London, Al-Furqan Islamic Heritage Foundation, 4 vol. 1992-1994.
۲. این کتاب به شماره ۵۹ در سال ۱۳۷۶ در سلسله انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار چاپ شده است.